

# تکامل

# تاریخی

# هند



सत्यमेव जयते

از: آندره فیلیپ

اگر بخواهیم اساس و پایه زندگی اقتصادی و اجتماعی امروز کشور هند را تجزیه و تحلیل کنیم باید از واقعیات اجتماعی هزارساله‌ای که زندگی این ملت را تحت تأثیر قرار داده‌اند بررسی را آغاز کنیم. این واقعیات ها اکنون مورد تهدید قرار گرفته و متزلزل شده‌اند.

**خانواده وسعت یافته و وابستگی با مسئولیت مشترک**

۱- خانواده در هند همان سیستم قدیمی خانواده وسیع است که از (کلان) طوائف قدیم پارت مانده، در اینگونه خانواده‌ها یک نفر وابستگی به همه و مسئولیت نسبت به همه دارد و بالعکس. حس مالکیت خصوصی وجود ندارد و تملکات به تمام خانواده تعلق دارد، (عنصر با ارزش) کسی است که با داد کردن و تکیفه خود قادر باشد و با تمام اعضا دیگر خانواده را بدوئی گیرد و سایرین بتوانند بپایند و بخرج او در خانه مسکن گزیده و از زندگی کنند. اینرا میتوان ورق بزیند

شیراز و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





هندیان در پس این آرامش ظاهری تلاشی عظیمی برای بهبود زندگی خود آغاز کرده اند

پائین تر همان سکنه قدیمی بومی هستند که مجبور شده اند به تقسیم کار تحمیل شده از بالا کردن نهند. این وضع از هزاران سال پائین طرف ادامه داشته، هرچند امواج مهاجمه های دیگری از بالای سر آنها وارد شده اما سازمان اجتماعی قدیمی تغییر نیافته باقیمانده است.

هرکاست بنوبه خود به صدها کاستهای دیگر و آنها نیز به کاستهای فرعی تجزیه گردیده اند، بنوعی که کاستهای فرعی زیرین نوعی از (گورپوراسیون) اتحادیه های صنفی گردیده اند که در داخله آنها و در چارچوب دهکنده اسرار موروثی کارهای پیشه وری و قوانین و قواعد کار و رفتار و کردار خیلی جامد و خشک بوجود آورده اند، در آنجا نیز یک همدردی و تعاون و مسئولیت مشترک در چارچوب کمی وسیع تر از حدوده خانواده مستقر میشود.

یک ایمان و اعتقاد هندو موسوم به کارما Karma که اساس و پایه تمام افکار هندو است وجود دارد که موجب حفظ و نگاهداری تمام این تأسیسات شده است. این ایمان عبارت از اعتقاد به تناسخ است.

### تناسخ یا از نو تجسم یافتن و بدینی

اعتقاد باین است که روح از نو در اجسام دیگری تجسم می یابد، این اعتقاد همان چرخ و دوزان لاینقطع، زائیده شدن و از نو تجسم یافتن است، بنوعی که بنا بر آن اعتقاد نمیتوان از این زندگی اسفناک رهایی یافت. تنها دانشمند بوسیله سیر در انفس و تأمل و اندیشه و در حالیکه عزت از دنیا را پیشه خود سازد می تواند به نیروانا برسد و خود را از حجاب تصورات رهایی بخشد (رسیدن به نیروانا عبارت از محو و نابود ساختن کامل خود در ابدیت و یا بیک معنی دیگر عبارت از فنا فی الله است - م)

اما سرنوشت هر شخص در این دنیا نتیجه «کارما»ی اوست، یعنی نتیجه وجود و زندگی قبلی اش میباشد؛ اگر حالا یک زندگی نسبتاً سعادتمندانه دارند، این مزد و پاداش تقواهایی است که در زندگی های قبلی داشته اند. این اعتقاد منجر باین می شود که باسانی بتوان سلسله مراتب اقتصادی و اجتماعی حاکمه را توجیه کرد و آنرا، موجه و عادلانه دانست، هر کس در هر آن و لحظه آنچه را پیش می آید پاداش یا مکافات مشروع تلقی میکند. هر کس میتواند وضع خودش را برای زندگی بعدی بهبودی بخشد، تنها لازم است که در چارچوب تعهدات خشک و سخت که از طرف سیستم کاستها وضع و تحمیل شده هر کس کار خود را از روی فرمانبری انجام دهد.

بمنزله بیمه اجتماعی در ضمن خانواده وسعت یافته تلقی کرد. اما باین وسیله می توان باین هدف رسید که خود را کاملاً تحت الشعاع هدف های مشترک یا اشتراکی قرار داد و هر نوع مناسبات بین مساعی شخصی و اجر و پاداش را حذف کرد، در حالیکه کسی که به یک موقعیت ممتازی میرسد باید ماوی و مسکن و حمایت را بسایر اعضاء خانواده بدهد و در محسول و نتیجه کار خودش همه را سهیم سازد.

### کاست ها و تقسیم کار

(۲) دومین عنصر اجتماعی که شروع به متزلزل شدن کرده است و علیرغم مساعی و مبارزات منظم کاندی در سالیان اخیر فقط متزلزل گردیده (بدون اینکه معدوم شده باشد - م) عبارت است از سیستم کاست ها، تقسیم کار در دهات تحت فرمان این اصول است. اولاً کاست ها بیشتر و بالا وجود دارد که عبارت از کاست برهمن هاست، که دانشمند و رئیس آئین مذهبی و فلسفی و تربیتی هستند، پس از آن کشاتریا Kshatrya که جنگجویان و کارمندان اداری هستند، پائین تر از آنها وایزیایا Ye Vaisya است که بازرگانان هستند، و بالاخره طوائف (Clan) مختلف کارگران هستند، و بالاخره پائین تر از همه خارج از کاست ها، غیر قابل لمس ها یا نجس ها هستند، هرکاست بنوبه خود به عده زیادی از کاستهای جزء تقسیم میشود.

در باره این مقولات (یا انواع) بزرگ (تقسیمات اجتماعی) تفسیرهای خیلی مختلف و متنوع کرده اند. بنظر می آید که این اوضاع نتیجه انطباق یافتن با آن تعادل فوایی باشد که بمناسبت مهاجمه آریا نژادان به هند بوجود آمده، قابل توجه است که هرچه پله به پله در سلسله مراتب کاستها بالا می رویم سفید پوستان قرار دارند و هرچه در سلسله مراتب کاستها پائین تر می رویم بیشتر از پیش سیاه پوستان هستند؛ آریائیهای که در کشور نفوذ کرده اند عناصر کاستهای بالا را بوجود آورده اند، و کاستهای





تعلیمات اجباری در هند شامل گروه وسیعی از نولهالان شده است



که بتوان بوسیله آن يك اراده واقعی برای تحول ایجاد کرد ، انقلاب شروع شده است ، اما هنوز در اوائل کار هستند . جمهوری هند امروز خود را از لحاظ مذهب بی تفاوت (لائیک) نشان داده است ، یعنی خود را از قدرت مذهب جدا دانسته است ، اما اگر لازم است که صرفه جویی جدا شروع شود ضروری است که سرمایه گذاری ها در جاهای دیگری غیر از مسجد و معبد و قبور مطهره بعمل آید ، در صورتیکه می دانیم که در دو هزار سال اخیر علی رغم بدبختی و بی نوایی مردم صرفه جوییها با بطرف مبارجه ها و با بجانب خدا رفته است نه برای انسانها .

اشکال کار در اینجاست که اگر هندوئیسم از لحاظ روشنفکرانه معتقد بواحد بودن تمام عقائد و آئین هاست و در دنیای فکری دارای تحمل عقائد دیگران است ، اما در دنیای عمل خیلی جدی و قشری است .

در چارچوب هندوئیسم می توان با آنچه مایل اند معتقد بود و حتی کاملاً منکر خدا بودن نیز مانع ندارد ، مشروط بر اینکه راه و رسم زندگی مطابق معمول قالب های اجتماعی گذشته باقی بماند . کسیکه این قالب های زندگی را مورد تجاوز قرار دهد از گروه بیرون انداخته می شود . امروز که شهرها در حال نشو و ترقی هستند این گونه اخراج و طرد کمتر نتایج وخیم دارند تا در گذشته ، اما در طی قرون متمادی اینگونه طرد و اخراج در دهکده ها نتایج بی اندازه وخیم داشت .

رسوم و قواعد رفتار و کردار بر حسب کاستها تغییر میکنند ، این قواعد به ارزش دادن های منفی نسبت به بعضی از مشاغل و بعضی کارها و بعضی غذاها بخصوص گوشت و ماهی منجر می شود .

قطنجی ها ، که برای آنان هر سرچاه دهکده رفتن و آب نوشیدن فدفن است ، حق دارند که بعضی از انواع مشاغل و ارتباط با آن را داشته باشند ، که آن نوع مشاغل برای دیگران ممنوع میباشد ، مثلاً تنها آن ها مجاز به سوزاندن نعش و بقایای حیوانات هستند و تنها آن ها حق دارند

ورق بزنید

واضح است که این کاملاً با روح غربی مغایرت دارد . بجای روح غربی که بر حسب آن از مذهبی اطاعت میشود که يك مطلق نشناخته و رحمت الهی انسان را برای اطاعت کردن و ابداع کردن آموزش ها در دنیای مادی سوق میدهد در هند بالعکس دانائی و خردمندی اینست که خود را یکباره از دنیا رها سازد و علائق خود را ببرد و از حجاب تصورات آزاد گردد . این عبارت است از تسلیم شدن ، استقامت ورزیدن و قضا و قدری گردیدن ، يك عمل بدون علاقه از روی بدبینی و نومیدی ، شاید اینها نتیجه سالها تسلط و حکومت بیگانه و مولود رنج و المی باشد که از آب و هوا و شرایط سخت و ناخوشی و فحطی ناشی شده باشد ، این عبارت از عزلت گرفتن از این دنیای (موسوم به دون) است عوین اینیکه يك عمل و تأثیر در این دنیا باشد .

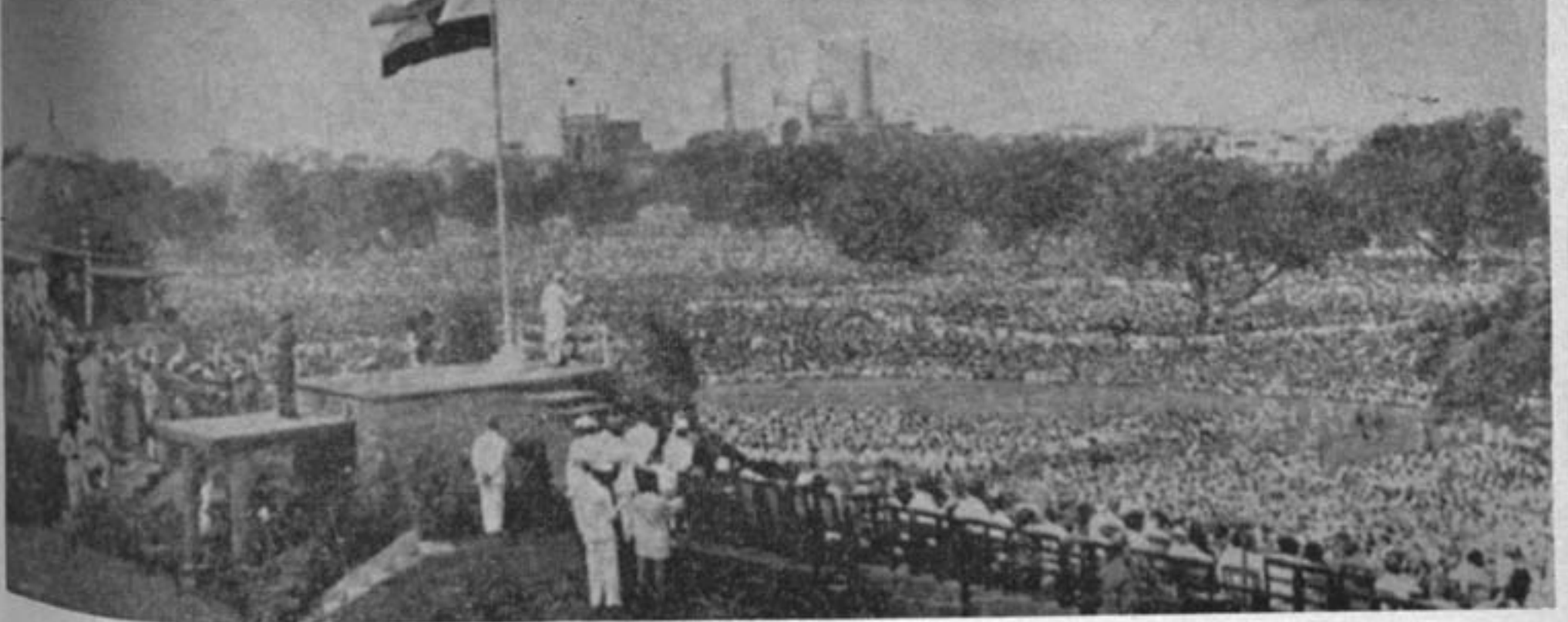
### مشکلات يك تحول

مشکل امروز تحول بخشیدن باین طرز تفکر است ، مشکل اینست تا «کارما» را نوعی تفسیر کرد ، بمعنی يك فلسفه فعال و دایمی تحریک تفسیر کرد که بتواند پند و اندرز را در جهت عمل در دنیای مادی بسط بدهد ، باید با آنها ثابت کرد که بهبودی وضع زندگی در بقیه آن مربوط باین نخواهد بود که در زندگی کنونی هرچه را که پیش آمد از روی تسلیم قبول کنی ، اما بالعکس نتیجه مبارزه ای خواهد بود که برای تحول بخشیدن باین زندگی بعمل خواهی آورد . می توان باین هدف رسید و خواهیم دید که پیام کاندی و رسالت او قسمت عمده و اساسی اثر همین بوده است ، این رسالت را اغلب ما در جهان غرب غلط تفسیر کرده ایم ، ما که عادت به اعمال خشونت و مقاومت داریم ، کاندی را پیغمبر عدم خشونت تلقی کرده ایم .

بالعکس برای هندوها که خود به عدم خشونت عادت کرده اند ، کاندی و رسالت او عبارت از اینست که بتوان از عدم خشونت وسیله ای برای مقاومت و تیرد ساخت .

در حال حاضر در این کشور يك وحدت احساساتی ملی وجود ندارد





نهر و در جشن ملی استقلال هند سخن میگوید

بدبینی و تنبلی و بی‌حرکتی توده برخورد می‌کنند، سخت است که یک انقلاب اخلاقی نویسی بوجود آورد و اجتناب از این مسئله سخت است که بجای خواص در بسته گروه‌های سابق بطور ساده خودخواهی فردی و فساد و سفته‌بازی جانشین نشود.

### واقعیات جامعه شناسی که با آنها برخورد میشود

در عین حال در حیات اقتصادی، با بعضی از واقعیات جامعه‌شناسی اساسی برخورد بعمل می‌آید که دو تا از مهمترین آنها احترام به گاوها و میمون‌هاست. در هند از دیاد جمعیت گاوها هنوز بیشتر از دیاد جمعیت انسانهاست. برای یک دامداری مدرن باید سه ربع گاوها را قربانی کرد تا بتوان ربع باقیمانده را بخوبی تغذیه کرد، در حال حاضر گاوها را نمی‌کشند میگذارند که از کرسنگی بمیرند.

مشکل دیگر میمون‌ها هستند که در مجموع این ناحیه دود می‌زنند آنها صدها هزار هستند و باید آنها را تغذیه کرد زیرا شاید اینها از اجداد تناسخ یافته هستند، و کسی نمیداند، شاید بمناسبت رفتار بد زندگی سابقشان بشکل میمون درآمده‌اند.

بنابراین عناصر اساسی وجود دارند که حتی پیش از اینکه بتوان یک نظریه رشد و تکامل اقتصادی را در نظر گرفت باید تحول و تغییر پیدا کنند.

این واقعیات‌ها که بدو هزار سال پیش مربوط‌اند، پایه‌های بنیادی هستند که باید امروزه از آنها شروع کرد.

که به چرم دست زده و آن را عمل بیاورند، این نوع مشاغل با نهائی رجوع می‌شود که در آخرین پله‌های نردبان جامعه قرار دارند. تنها نجس‌ها حق دارند با کار مربوط به تخته پهن و کود سروکار داشته باشند، اکثریت بزرگ دهقانان نمیتوانند باین کار دست زنند، و طبیعتاً این عادت موجب میشود که عناصر لازم و ضروری برای تجدید بارور کردن زمین‌ها از نو بآن‌ها نرسد. باین ترتیب مبارزه برای بهبودی بخشیدن بوضع زمین و جبران کاهش باروری آن ناقص و غیر کافی میگردد.

در تمام طول قرن نوزدهم در هند با این مشکلات برخورد کرده‌اند و امروز نیز با آنگونه مشکلات مواجه میباشند.

### ارتباط با اروپا

این مسئله حقیقت دارد که تماس با غرب و کار در کارخانه ارتباط و تماس بین کاست‌ها را غیر قابل اجتناب ساخته، ارتباط و تماسی که تا آن زمان هرگز تحمل نمیشده. باین ترتیب تحمیلات از خارج منجر به متزلزل کردن تمام ارزش‌ها میگردد. در صورتیکه وجود گروه‌ها (کاست‌ها) برای نگه داری خود در محیط رسوم و آداب و اخلاقی که همواره بآن علاقمند بودند مفید نباشد دیگر چیزی باقی نمیماند. اختلاف بزرگ که با اروپای غرب آن زمان وجود دارد اینست، جریان ترقی و تکاملی که پیش از پیدایش صنعت مدرن در اروپا وجود داشت، بطور تدریجی در مدت ۵۰۰ سال بوجود آمد. بطور موازی با تضعیف شدن اعتقادات کهنه و قدیم یک انسان دوستی (هومانیسم) بجای آن در اروپا بنا گردید.

امروز هند از ۲۰ سال باین طرف در دوره تحول کامل وارد شده، اما ثقل دو هزار سال گذشته هم اکنون بر او سنگینی میکند، تا حدودی که تحول بواقعیت میرسد، تزلزل چارچوب‌های قدیمی و کهنه اغلب توأم با شک و تردید و نومیثی و نه‌ایسم است زیرا فرد هندی دارای این احساس نیست که بتواند ارزش سجایای کلی و جهانی را درک کند.

در حال حاضر که سعی می‌شود کم‌کم دهکده‌ها را مدرنیزه کنند مشکل ترین کار ایجاد تماس واقعی بین دهقان و کارمندان تربیت شده‌است که، کارمندان غربی شده‌اند و می‌خواهند برای آن‌ها روش‌های نوین کار را توضیح دهند، و راه نوین زندگی را بآنان یاد دهند. در اغلب موارد دهقان از آن‌ها پیروی میکند زیرا عادت باطاعت کردن دارد، اما اعتماد ندارد. او منتظر است که معجزه‌ای واقع شود و از آسمان یک تحولی بدون لزوم فداکاری (فدا کردن رسوم قدیم - م) برای او بیاید. بسا

## سوئد برای وزارت گمرکات حرارت مرکزی ایجاد میکند

استکهلم - خبرگزاری بین‌المللی سوئد - بزودی سوئد بزرگترین رقم صادراتی دستگاههای حرارت مرکزی خود را به ایران حمل می‌نماید، این دستگاه‌ها توسط وزارت گمرکات و انحصارات ایران از چند کمپانی بزرگ سوئدی توسط شرکت واردات - صادرات آبرافر استکهلم خریداری شده و برای نصب در نازی آباد در نظر گرفته شده است و حرارت مرکزی بیست و یک دستگاه ساختمان سازی آباد را که شامل ۸۵۰ آپارتمان میشود تأمین خواهد کرد.



# رستنی‌ها

# و

# جنگلهای

# کره مریخ

از: مهندس پ. نیلوفر

همیشه کنجکاوی خاک‌نشینان زمینی را برانگیخته است. اکنون معلوم شده است که کپکشان ما... آن رودخانه سیمکونیکه ارواح فراخ‌اندروز کاری در آن شنا می‌نمودند. فضائی است تهی که در هر گوشه دور افتاده اش سیاره‌ای سرگردان است. منظومه شمسی که زمین جزئی از آنست یگانه و بی همتا نیست از آنرو وجود حیات در منظومه‌های دیگر محتمل بنظر میرسد. ولی در این عصر نیمه نادانی یا نادانی مادستری بمنظومه‌های دیگر غیر ممکن بنظر می‌آید فقط محتمل است که خاک‌نشینان زمینی بسیاری بمنظومه شمسی دست یابند. در منظومه شمسی علاوه بر کره زمین وجود زندگی در کره زیبای مریخ تقریباً مسلم و در زهره محتمل گشته است طیف حاصل از مناطق سبز کره مریخ وجود نوعی رستنیها و گیاهان را در آن کره اثبات میکند و روشن می‌سازد. زندگی پدیده نادری نیست که منحصر ب سیاره زمین باشد. ولی وجود زندگی حیوانی و انسانهایی بهوشمندی انسان در کره مریخ هنوز مورد تردید است. مریخ یکی از زیباترین و معروفترین ستارگان است و شاید یکی از اولین سیاراتی باشد که بشر اولیه آنرا کشف نموده است چه رنگ سرخ و تغییرات فصولی آن هم اکنون نیز آنرا سیاره‌ای متمایز و مشخص نموده است.

در زمینه حیات در کره مریخ کتابها و رسالاتی نوشته شده است که در این میان ج. ولز عقیده دارد که در کره مریخ حیوانات ذی شعوری زندگی میکنند و مانند انسان روی پاهای خلیق راه می‌روند و چون هوای آنجا رقیق میباشد درختان پاتنه نازک و کم قطر بسیار طویل میشوند. وی همچنین معتقد است که بعلمت کمی نیروی جاذبه ساختمانها را میتوان بسیار مرتفع ساخت. ولی با تردید زیاد میتوان چنین نظریاتی را صحیح دانست.

مریخ هر یازده سال یکبار در نزدیکترین فاصله خود از زمین واقع میگردد و در سال یک هزار و نهمصد و چهل و یک این موقعیت مناسب دست داد و سبب شد که مطالعات کاملی از مریخ بعمل آید. رنگ مریخ از داخل تلسکوپ قرمز متمایل بنارنجی بنظر میرسد و در گوشه و کنار آن لکه‌های سبز یا آبی مشاهده میگردد. سابقاً گمان میرفت که این لکه‌های رنگین دریا‌های مریخ باشد ولی گامیل فلاماریون ملاحظه کرد که این دریاها رنگ خود را در فصل مریخی تغییر میدهند و رنگ سبز دریاها تبدیل برنگ قهوه‌ای میگردد.

و از آنجا که مشابه این موقعیت در جنگلهای یمن برک زمین مشاهده میشود، در بادی امر بنظر رسید که این دریاها چیزی جز جنگلهای محقر نیستند، و لکه‌های دیگری که در تمام سال برنگ سبز باقی میمانند محتملاً جنگلهای سوزنی برگ و یا چمنزارهای وسیع می‌باشد.

در صورتیکه ساکنینی از کره مریخ کره ما را ملاحظه کنند چنین تغییراتی را نیز در کره زمین خواهند دید با این تفاوت که اقیانوسها برنگ آبی، قطبین سفید رنگ و قاره‌ها برنگ روشن مشاهده میشوند. قطبین زمین که پوشیده از یخ و برف است در تابستانها کوچک و در زمستانها بزرگ میشوند مشابه چنین تغییراتی را ما اینک در کره مریخ مشاهده میکنیم ولی با وجود چنین تغییراتی در قطبین مریخ همه منجمین معتقدند که مریخ سیاره خشک و بی حاصل است و آب بندرت در سطح آن یافت میگردد. در اواخر قرن هیجدهم هرشل تغییرات فصولی و فصولی مریخ را مورد توجه قرار داد و معلوم شد در فصل تابستان حجم قطب جنوب کره مریخ زیاد و بالعکس حجم قطب شمال کم میگردد. و با تغییر فصل این عمل در جهت عکس اتفاق میافتد. این شباهت تغییرات منجمین را وادار کرد که بیاندیشند چیزی مشابه با یخ و برف در قطبین مریخ وجود دارد.

بعدها منجم معروف ایتالیائی «شیا پارلی» در ۱۸۷۷ مطالعات وسیعی روی مریخ بانجام رسانید و برای اولین بار از وجود رشته‌های کانال‌هایی در سطح مریخ نام برد.

